

«فصل پنجم»

نکات ادبی، دستوری، معنی و مفهوم

درس سیزدهم «اسوه نیکو» و «حکایت چراغ»

سعدی شیرازی (۶۹۰-۶۰۶ هـ.ق): مشرف الدین سعدی، در شیراز متولد شد. در نظامیه بغداد به تحصیل ادامه داد. پس از سی و پنج

سال به شیراز بازگشت. از سعدی: **بوستان** (به شعر) و **گلستان** (به نثر آمیخته به نظم) و **دیوان اشعار** او برجای مانده است. مجموعه این آثار کلیات سعدی نامیده می شود.

نورالدین عبدالرحمن جامی: شاعر و نویسنده معروف ایرانی در قرن ۹ است. وی به مناسبت محل تولدش «جام» و به سبب علاقه به شیخ الاسلام احمد جام «جامی» تخلص می کرد.

دیوان اشعار، **هفت اورنگ** (شامل هفت مثنوی به تقلید از خمسه نظامی) **نخات الانس** و **بهارستان** از آثار اوست.

اسوه نیکو



پیامبر گرامی اسلام، محمد بن عبدالله (ص)، در آداب و رفزار و اخلاق، اسوه عالمیان است.
آن چنان که خداوند مهربان در قرآن کریم می فرماید: «به درستی که رسول خدا برای شما، اسوه و نمونه
نیکویی است.» (سوره احزاب / آیه ۲۱) ۵

در این درس با برخی از ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری آن بزرگوار آشنا می‌شویم:

رسول اکرم، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ^۶، با فرزندان خود به مهر و عظوفت^۷ رفتار می‌کرد و می‌فرمود: «فرزندانِ مایارهٔ جگر ما هستند.»^{۱-۲-۳} گاه، وقتی به سجده می‌رفت، حسن (ع) و حسین (ع) بر کردن و پشتش می‌نستند و او چندان در سجده می‌ماند تا آنان پایین بیایند و گاهی به آرامی آنان را پایین می‌آورد و از سجده بر می‌خاست و هر دو را در بر می‌گرفت و بر صورتشان بوسه می‌زد.

رسول اکرم، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، با خد متکارانش نیز رأفت^{۱۱} و عظوفت داشت.

انس بن مالک می‌گفت: «در مدت ده سال که شبانه‌روز در خدمت و در خانه‌اش بودم، یک بار تندخویی^{۱۲} و سخن درشت از او ندیدم و نشنیدم.»^{۱۳}

در میان جمع، کشاده‌رو^۲ و در تنهایی^{۱۴}، سیمایی محزون^{۱۵} و متفکر^{۱۶} داشت. هرگز به روی کسی خیره نگاه نمی‌کرد و بیشتر اوقات، چشم‌هایش را به زمین می‌دوخت.^۳ در سلام کردن به همه، حتی به کودکان، پیش‌دستی می‌کرد. هرگاه به مجلسی وارد می‌شد، نزدیک‌ترین جای خالی را اختیار می‌کرد.

از بیماران عیادت می‌کرد. سخن همنشین^{۱۹} خود را نمی‌برد. بیش از حد لزوم، سخن نمی‌گفت و اجازه نمی‌داد کسی جز در مقام دادخواهی، در حضور او از دیگری بد بگوید و یا به کسی دشنام دهد.^{۲۳}

هیچ‌گاه زبانش را به دشنام نمی‌آلود.^۴ بد رفتاری با شخص خود را می‌بخشید ولی دربارهٔ کسانی که به حریم قانون^{۲۴}، تجاوز می‌کردند^{۲۵}، گذشت و مدارا نداشت.^{۲۶}

در زندگی از تجمل دوری^{۲۸} می‌جست. در کارهای منزل به خانواده‌اش کمک می‌نمود و چون

بانگ اذان را می‌شنید، به نماز می‌رفت.

سعدی، شاعر و نویسنده توانای زبان و ادب فارسی، در ستایش پیامبر بزرگوار اسلام،

سروده‌ای دارد که چند بیت آن را می‌خوانیم:

ماه فرو ماند از جمال ^{۳۰} محمد (ص) سرو نباشد به اعتدال ^{۳۱} محمد
آدم و نوح و خلیل و موسی و عیسی آمده مجموع ^{۳۲} در ظلال ^{۳۳} محمد
سعدی اگر عاشقی کنی و جوانی عشق محمد ^{۳۴} بس است و آل محمد
کفیات سعدی: بخش مواعظ ^{۳۵}



خودارزیابی

- ۱- رفتار پیامبر (ص) با امام حسن (ع) و امام حسین (ع) در دوران کودکی چگونه بود؟
- ۲- کدام رفتار پیامبر (ص) با دیگران، برای شما جالب‌تر است، چرا؟
- ۳- به نظر شما چرا پیامبر (ص) بدرفناری با خویش را می‌بخشید اما نسبت به قانون‌شکنی، گذشت نداشت؟
- ۴-



دانش‌زبانی

نکته

به این جمله‌ها توجه نمایید و درباره آنها گفت‌وگو کنید.

- من حالا نامه را می‌نویسم.
- تو اکنون نامه را می‌نویسی.
- او اکنون نامه را می‌نویسد.
- ما اکنون نامه را می‌نویسیم.
- شما الآن نامه را می‌نویسید.
- آنها حالا نامه را می‌نویسند.

سطر ۶: فرزندان ما پاره جگر ما هستند

معنی: فرزندان ما بسیار عزیز و با ارزش هستند

سطر ۱۲: در میان جمع گشاده رو بود و در تنهایی خودش چهره ای غمگین داشت و در حال فکر کردن و اندیشیدن بود.

معنی: در میان جمع خوش اخلاق بود و در تنهایی خودش چهره ای غمگین داشت و در حال اندیشیدن و تفکر بود.

سطر ۱۳: چشم هایش را به زمین دوخت

معنی: به کنایه: یعنی به زمین نگاه می کرد.

سطر ۱۷: هیچ گاه زبانش را به دشنام نمی آلود.

معنی: به کنایه: هرگز حرف های زشت و ناسزا نمی گفت

معنی ابیات:

ماه فروماند از جمال محمد (ص) سرو نباشد به اعتدال محمد (ص)

معنی: ماه به زیبایی پیامبر (ص) نیست و سرو مثل او خوش قامت و زیبا نمی باشد.

آرایه ادبی: فرو ماندن ماه: تشخیص / ماه: نماد زیبایی / سرو: نماد بلندی و راست قامتی / در این بیت سعدی چهره پیامبر (ص) را به

ماه و قامت او را به سر تشبیه کرده است.

کنگه دستوری: فروماند: فعل مضارع (فرو می ماند)

آدم و نوح و خلیل و موسی و عیسی آمده مجموع در طلال محمد (ص)

معنی: تمام پیامبران گذشته و آینده در سایه و پناه پیامبر (ص) جمع شده اند. (ادیان پیامبران گذشته به وسیله دین اسلام کامل شده است.)

سعدی اگر عاشقی کنی و جوانی عشق محراب است و آل محمد

معنی: سعدی اگر به دنبال خوشی و شادی کردن هستی تنها به دنبال پیامبر و خاندان او برو و به آنها عشق بورز.

نکته دستوری: سعدی: منادا / که نشانه ندا حذف شده / در جمله آخر هم فعل حذف شده. آل محمد (بس است).

لغات مهم: (به رنگ سبز)

۱. روش ها ، جمع ادب
۲. اخلاق : جمع خُلُق ، عادت ها پسندیده
۳. اُسوه : نمونه ، الگو
۴. عالمیان: مردم جهان ، جهانیان
۵. کریم : بخشنده
۶. صل الله علیه و آله و سلم : درود خدا بر پیامبر و خاندانش
۷. مهر: عشق
۸. عطوفت : لطف ، محبت و مهربانی
۹. پاره جگر: عزیز، جگر گوشه
۱۰. بر می خاست : بلند می شد
۱۱. رأفت : مهربانی و نرم دلی
۱۲. تند خوئی: بد اخلاقی
۱۳. درشت (سخن درشت) زشت و گستاخانه
۱۴. گشاده رو : خوش اخلاق و خوش رو
۱۵. سیمای محزون : چهره غمناک

۱۶. اوقات: جمع وقت ، وقت ها
۱۷. پیش دستی: زود تر از کسی به کاری اقدام کردن
۱۸. عیادت: به دیدار بیمار رفتن و احوالپرسی کردن
۱۹. همنشین: یار و همراه
۲۰. مقام داد خواهی: انجام عدالت خواهی
۲۱. حضور: نَزَد ، پیش
۲۲. بد: (بد بگوید): بی ادبی
۲۳. دشنام: حرف زشت ، ناسزا و فحش
۲۴. حریم: بخشی از اطراف چیزی ، (به حریم قانون تجاوز می کردن: به قانون بی احترامی می کردند).
۲۵. تجاوز: از حد گذراندن ، ستم و زور گویی
۲۶. گذشت: بخشیدن
۲۷. مدارا: به نرمی و مهربانی برخورد کردن
۲۸. تجمل: زیور بستن ، خود آرایی ، مال و اثاثیه گران بها داشتن
۲۹. بانگ: فریاد ، آوا
۳۰. جمال: زیبایی
۳۱. اعتدال: تناسب
۳۲. مجموع: گرد آمده ، جمع شده
۳۳. ظلال: سایه
۳۴. بس: کافی
۳۵. مواعظ: جمع موعظه ، پند و اندرز

نکات دستوری: (رنگ آبی)

۱. پاره جگر: گروه مسندی
۲. پاره جگر: ترکیب اضافی
۳. جگر ما: ترکیب اضافی
۴. گشاده رو: مسند
۵. سیمای محزون و متفکر: مفعول

نکات ادبی: (رنگ قرمز)

۱. پاره جگر ما بود: کنایه از عزیز و باارزش بودن
۲. گشاده رو: کنایه از خوش اخلاقی
۳. چشم هایش را به زمین می دوخت: کنایه از اینکه به زمین نگاه می کرد
۴. هیچ گاه زبانش را به دشنام نمی آلود: هرگز حرف های زشت و ناسزا نمی گفت

پایخ خودارزیابی:

۱. رفتار پیامبر (ص) با امام حسن (ع) و امام حسین (ع) در دوران کودکی؟
رسول اکرم با فرزندان خود به مهر و عطوفت رفتار میکرد. وقتی به سجده می رفت حسن (ع) و حسین (ع) برگردن و پشتش می نشستند و او چنان در سجده می ماند تا به آرامی پایین بیایند و وقتی از سجده بر می خواست هر دو تا را صورتشون را بوسه ای می زد.
۲. کدام رفتار پیامبر (ص) با دیگران برای شما جالب تر است. چرا؟
یکی از رفتارهای خوب پیامبر (ص) اخلاق خوب ان است. اگر اخلاق خوب داشته باشی همه تو را دوست دارن و باعث شایستگی فرد نیز می شود
۳. به نظر شما چرا پیامبر (ص) بد رفتاری با خویش را می بخشید اما نسبت به قانون شکنی گذشت نداشت؟
زیرا بد رفتاری با خود مسئله ای شخصی است و می توان از آن گذشت ولی قانون شکنی مسئله ای اجتماعی و عمومی است و حق دیگران را ضایع می کند و قابل گذشت است.
۴. خداوند در مورد مهربانی پیامبر (ص) چه می فرماید؟
به درستی که رسول خدا برای شما اسوه و نمونه ی نیکویی است

پایخ فعالیت های نوشتاری:

- ۱- برای هر یک از کلمه های زیر دو هم خانواده بنویسید .
حضور: حاضر - محضر
عطوفت: عاطفه - معطوف
حریم: حرم - محرم

۲- واژه صحیح را در جای خالی بنویسید .

الف: گاهی به آرامی آنان را پایین می آورد و از سجده _____ (بر میخواست _ بر می خاست)
ب: اجازه نمی داد کسی جز در مقام _____ در حضور او از دیگری بد بگوید . (دادخواهی _ داد خواهی)

۳- بن مضارع فعل های زیر را بنویسید .

۱. می خوانم: (خواندن، بخوان = خوان)

۲. می روم: (رفتن، برو = ر)

۳. می پرسد: (پرسیدن، پرس = پرس)

۴. می شنوند: (شنیدن، بشنو = شنو)

«حکایت چراغ»

نابینایی در شب، چراغ به دست و سبو بردوش، بر راهی می رفت.

معنی: در یک شب، نابینایی چراغ به دست و کوزه بر دوش راه می رفت.

یکی او را گفت: تو که چیزی نمی بینی چراغ به چه کارت می آید؟

معنی: یک نفر به او گفت: تو که چیزی نمی بینی پس چه نیازی به چراغ داری و چرا چراغ برداشته ای؟

گفت: چراغ از بهر کوردلان تاریک اندیش است تا به من تنه نزنند و سبوی مرا نشکنند.

معنی: مرد نابینا گفت: چراغ برای عابران گمراه و نادان است تا من را ببینند و به من و کوزه من آسیب نرسانند.

نکته دستوری: از بهر: حرف اضافه: کوردلان: متمم /

معنی لغات حکایت چراغ:

۱. سبو: کوزه سفالی

۲. کوردلان: کندفهم و نادان و بی بصرت

۳. تاریک اندیش: گمراه و بد اندیش

۴. تنه نزنند: برخورد نکنند